



Integration of the Rural Community into the Market Economy (The Place of Rural Tourists in Hawraman)

Osman Hedayat¹ | Hossein Daneshmehr²

1. Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: osmaanhedayat68@gmail.com
2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. E-mail: h.daneshmehr@uok.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 25 April 2024
Received in revised form: 25
June 2024
Accepted: 28 July 2024
Published online: 15
September 2024

Keywords:

Integration of Rural Society,
Narrative Analysis, Rural
Itinerancy, Market Society,
Hawraman

ABSTRACT

The current research aims to evaluate and examine the role of rural itinerants in the integration of rural society into the market economy. The approach of this research is based on the views raised in economic sociology and inspired by the theories of Polanyi, Granwater, Smelser, Swedberg, Slater and Tonkis.

The narratives of 15 itinerants in the villages of the Hawraman region of Kurdistan and Kermanshah provinces were analyzed due to a paucity of information. Utilizing the principles of Clandinin and Conley's narrative research, data from semi-structured interviews were acquired through the snowball method and analyzed using thematic analysis. The results were obtained in the form of five secondary categories: Nomadism as a network of social relationships, rural nomadism and local development, urban-rural links and the role of rural nomads in them, the expansion of communication and transportation and the reduction of the presence of nomads, and the expansion of the role of capital and money in villages and the role of nomads.

The elimination of itinerants and, as a result, the emergence of border trade and market practices in the region was the result of the separation of economic relations from social relations and the expansion of communication and transportation. Therefore, the role and position of itinerants in the rural integration and development acted as a reverse mechanism, leading to a decline in their role and position as the market economy progressed.

Cite this article: Hedayat., O. & Daneshmehr, H. (2024). Integration of the rural community in the market economy (the place of rural tourists in Hawraman). *Community Development (Rural and Urban)*, 16 (2), 209-228.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.382464.668878>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.382464.668878>

ادغام جامعه روستایی در اقتصاد بازار (جایگاه دوره‌گردهای روستایی در هورامان)

عثمان هدایت^۱ | حسین دانش مهر^۲

۱. گروه جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: osmaanhedayat68@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: h.daneshmeh@uok.ac.ir

چکیده	اطلاعات مقاله
هدف پژوهش حاضر، بازخوانی و تحلیل جایگاه دوره‌گردهای روستایی در ادغام جامعه روستایی در اقتصاد بازار است. رویکرد پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌های مطرح در جامعه‌شناسی اقتصادی و با الهام از نظریات پولانی، گرانووتر، اسملسر و سوئدبرگ اسلیتر و تونکیس است.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی
با توجه به کمبود اطلاعات، از تحلیل روایت ۱۵ دوره‌گرد در روستاهای منطقه هورامان استان کردستان و کرمانشاه استفاده شد. براساس اصول روایت‌پژوهی کلاندینین و کانلی به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته که با شیوه گلوله‌برفی به‌دست آمده و با تکنیک تحلیل مضمونی تجزیه و تحلیل شده‌اند، پرداخته شده است.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۵/۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۶/۲۵
نتایج در قالب پنج مقوله ثانویه شامل دوره‌گردی به‌مثابه شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی، دوره‌گردی روستایی و توسعه محلی، پیوندهای شهری روستایی و نقش دوره‌گردهای روستایی در آن، گسترش ارتباطات و حمل‌ونقل و کاهش حضور دوره‌گردها و گسترش نقش سرمایه و پول در روستاها و نقش دوره‌گردها به‌دست آمد.	کلیدواژه‌ها: ادغام جامعه روستایی، تحلیل روایت، جامعه روستایی، دوره‌گردی روستایی، هورامان.
تحلیل این مقوله‌ها نشان داد روند گذار از بازار جغرافیایی به اقتصاد بازار با تأکید بر جایگاه دوره‌گردها، نشان‌دهنده استحاله روابط و مناسبات شهر-روستا و به‌تبع آن، انقطاع پیوند و یک‌سویه‌شدن روابط آن‌ها است. منفک‌شدن مناسبات اقتصادی از مناسبات اجتماعی و گسترش ارتباطات، حمل‌ونقل سبب حذف دوره‌گردها و سپس ظهور شیوه‌های تجارت و بازار غالباً مرزی در منطقه شد؛ بنابراین، نقش و جایگاه دوره‌گردها در ادغام و توسعه روستایی به‌مثابه مکانیسمی معکوس عمل کرد که هرچه از آن در اقتصاد بازار می‌گذشت، به همان شیوه، نقش و جایگاه دوره‌گردهای روستایی نیز روند کاهشی می‌یافت.	

استناد: هدایت، عثمان و دانش مهر، حسین (۱۴۰۳). ادغام جامعه روستایی در اقتصاد بازار (جایگاه دوره‌گردهای روستایی در هورامان). توسعه محلی (روستایی-شهری)،

۱۶(۲): ۲۰۹-۲۲۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.382464.668878>



© نویسنده‌گان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.382464.668878>

۱. مقدمه

بیشتر جامعه روستایی در ایران، قبل از ادغام در سرمایه‌داری، اقتصاد غالباً معیشتی، خودبسنده و محدودی داشت که این امر به دلایل جغرافیایی، کمبود یا ضعف ارتباطات و حمل‌ونقل و دوری از بازارهای شهری و به‌مراتب دوری از راه‌های دسترسی به تجارت، ضعف امنیت و ناپایداری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود. این امر گرچه به روستاها محدود نبود و برای بسیاری از شهرها نیز مصداق داشت، روستاها به دلایل ذکر شده بیشتر منزوی و کمتر تحت تأثیر اقتصاد جهانی یا خارجی بودند. غالب نظریه‌پردازان در مورد تحلیل اقتصاد ایران به‌ویژه دهه ۱۳۴۰ تا دهه ۱۳۶۰ بر روند ادغام اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی و بین‌المللی شدن سرمایه اذعان دارند (سوداگر، ۱۳۶۹؛ کلاوسن، ۱، ۱۹۷۷؛ بیات، ۲، ۲۰۰۰؛ آبراهامیان، ۱۳۹۶؛ کاتوزیان، ۱۴۰۲). برنامه‌های عمرانی توسعه‌ای (هفت برنامه)، انقلاب سفید و اصلاحات ارضی، گسترش واردات ناشی از فروش نفت از مهم‌ترین عوامل درونی در این ادغام بوده‌اند. دوره‌ای که بیشتر با توضیح نظری در چارچوب سرمایه‌داری وابسته و ذیل نظریه وابستگی مورد بحث واقع شده است.

مطالعات توسعه‌ای در ایران نشان می‌دهد با تثبیت حاکمیت دولتی در قالب دولت موجر^۱ و رونق گرفتن فروش نفت و درآمدهای حاصل از آن دوره‌ای از ادغام و گسترش بازار سرمایه‌داری شکل گرفت که با توجه به ایدئولوژی حکومتی مبنی بر صنعتی کردن کشور، ابتدا در شهرها این امر روند بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد و به تدریج و با نفوذ به روستاها گسترش یافت (اشرف، ۱۳۵۹؛ سوداگر، ۱۳۶۹؛ بیات، ۲۰۰۰؛ از کیا، ۱۳۹۲). واردات کالاها و محصولات خارجی، ورود شرکت‌های چندملیتی و خارجی، رواج فرهنگ غربی و غالباً مصرف‌گرایانه و بهره‌برداری از منابع طبیعی جهت منافع بازار و سرمایه، ورود فناوری‌ها در حوزه‌های مختلف کشاورزی، ماشین‌سازی، ساختمان‌سازی و... این روند را تشدید کرد. روستاها به دلایل فوق این روند را دیرتر از شهرها و با میانجی‌های بیشتری تجربه کردند. با وجود این، از ابتدای دوره مورد بحث یعنی دهه ۱۳۴۰، روستاها به‌واسطه اقدامات و برنامه‌های ذکر شده در بالا دچار تحولی اساسی شدند و از فضای درونی خود خارج شدند. در این بازه زمانی، واردات مواد غذایی جای کشاورزی بومی را گرفته بود، صنعت و خدمات به بخش‌های مهم و گسترده در اقتصاد بدل شده بود و روند تجارت خارجی بیش از پیش رونق گرفته بود. بازارهای عمومی و بازارهای جغرافیایی جای خود را به بازارهای خصوصی دادند و بازار را به شکل انتزاعی و تجریدی و به‌عنوان فرصت خرید و فروش حاکم کردند. با گسترش این روند که خاصیت بنیادی سرمایه است، ابتدا شهرها با این روند گسترش اقتصاد بازار مواجه شدند و روستاها نیز با ورود به فرایند نوسازی و توسعه، با اقتصاد بازار روبه‌رو شدند (لیلاز، ۱۳۹۸). در روستاها این امر از سویی سبب افزایش پیوند و تعامل با شهرها و فروش محصولات و کالاهای مازاد آن‌ها شد و از سوی دیگر، به وابستگی به کالاها و محصولات جدیدی انجامید که غالباً از شهرها تأمین می‌شد.

پژوهش حاضر با بازخوانی دوباره این ادغام، به یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال آن، یعنی دوره‌گردهای روستایی می‌پردازد و نقش و جایگاه آن‌ها را مورد پرسش قرار می‌دهد؛ امری که در مطالعات مربوط به روستاها غالباً سهواً یا عمدتاً از نظرها مغفول مانده است. این امر را شاید بتوان ناشی از جایگاه مبهم و نامنسجم دوره‌گردها قلمداد کرد. از آنجا که در مناطق روستایی،

1. Clawson
2. Bayat
3. Rentier

روستانشینان با زمین وابستگی کامل دارند، مناسبات گروه با سازمان اجتماعی از روی دسترسی به زمین زراعی (مالکیت یا عدم مالکیت زمین) تعیین می‌شود و این عامل تعیین‌کننده موقعیت و پایگاه اجتماعی روستانشینان است. دانش حوزه روستایی نیز بر همین اساس، مطالعات خود را پیش برده است. به این ترتیب دوره‌گردهای روستایی از این نظر که زمین نداشته‌اند، کمتر مورد توجه مطالعات حوزه روستایی واقع شده‌اند. اما نکته مهم، مربوط به پایگاه اجتماعی پایین آن‌ها در روستاها است که این مغفول واقع شدن را تشدید و بازتولید کرده است. مطالعات در اروپا نشان می‌دهد از دوره‌گردها بیشتر به‌عنوان اشخاصی شارلاتان با شخصیت‌هایی مضحک یا به‌عنوان حيله‌گرانی قابل‌تحسین، اما درعین حال خطرناک، نام برده شده است که از قحطی و مصیبت بهره‌برداری می‌کردند و در کنار کالاهای غریب و ناآشنای خود، آثار مخرب، عقاید مذاهب، تمیئات، تجملات و فساد را با خود حمل می‌کردند و گاهی نیز به‌عنوان انتشاردهنده بیماری شناخته می‌شدند (سالمن، ۱، ۲۰۰۳). با وجود این، برخی نیز به نقش و کارکرد آن‌ها در توسعه محلی (براون، ۲، ۲۰۰۰) و فعالیت چندوجهی و حیاتی بودن آن در جوامع گذشته (فونتن، ۳، ۱۹۹۳) اشاره داشته‌اند. به‌رحال، سیر تغییرات و تحولات این قشر غالباً مغفول مانده و نقش و کارکرد آن‌ها در روستاها، به‌ویژه بازار و اقتصاد روستایی در ایران، کمتر مورد توجه واقع شده است.

مطالعات تجربی اندکی در زمینه موضوع دوره‌گردهای روستایی در ایران و جهان در زمینه نقش و جایگاه دوره‌گردها انجام شده است. این امر به سبب جایگاه پایین دوره‌گردها، بی‌اهمیتی موضوع در نظر اندیشمندان حوزه‌های مختلف اقتصادی و جامعه‌شناسی، و همچنین به دلیل ادعای کمبود منابع درباره آن‌ها است (سالمن، ۲۰۰۳). در ایران تحقیقی که بر نقش و جایگاه دوره‌گردهای روستایی تأکید داشته باشد، انجام نگرفته است. در مطالعات خارجی نیز می‌توان از مطالعات مای و بچهولت^۴ (۱۹۸۷) و فونتن (۱۹۹۳) نام برد، اما آن‌ها نیز به شیوه متمرکز بر نقش و جایگاه آن‌ها در روستاها به‌ویژه در بستر تحولات جامعه و بازار پرداخته‌اند؛ بنابراین، با توجه به کمبود اطلاعات در زمینه دوره‌گردی روستایی، روایت دوره‌گردها و مطلعان می‌تواند بستری برای بازخوانی نقش و جایگاه آن‌ها در روستاها باشد تا بتوان این پرسش را مطرح کرد که نقش و جایگاه آن‌ها در ادغام روستاها در اقتصاد بازار چگونه بوده و این امر با چه رویه‌ها و شیوه‌هایی اتفاق افتاده است.

۲. تأملات مفهومی و نظری

رویکرد این پژوهش مبتنی بر دیدگاه‌های مطرح در جامعه‌شناسی اقتصادی است و با الهام از نظریات کارل پولانی^۵ (۱۳۹۱) به‌عنوان سرآغاز جامعه‌شناسی اقتصادی جدید، مارک گرانووتر^۶ (۲۰۱۹)، اسملسر^۷ و سوئدبرگ^۸ (۱۹۹۱؛ ۲۰۰۵؛ ۲۰۱۰) و اسلیتر و تونکیس^۹ (۱۳۹۶)، درصدد تحلیل نظری بازار^۱ و سیر تحلیلی مفهومی آن به‌ویژه جامعه بازار و پیوند آن با جامعه روستایی خواهیم بود.

-
1. Salman
 2. Brown
 3. Fontaine
 4. Mai & Buchholt
 5. Polanyi
 6. Granovetter
 7. Smelser
 8. Swedberg
 9. Slater & Tonkins

۱-۲. جامعه نابازار و اقتصاد غیربازاری

قبل از سیطره سرمایه‌داری، تولید به‌منظور تأمین معیشت انجام می‌شد. روابط تولیدی در روابط اجتماعی ریشه داشت و بازار در این روابط حک شده بود. پولانی معتقد است جوامع پیشامدرن تمایل داشتند زندگی اقتصادی‌شان را حول چهار اصل سازمان‌دهی کنند: معاوضه به مثل، بازتوزیع، سامان‌دهی خانوادگی و مبادله که الگوهای معادلشان به‌ترتیب تقارن، مرکزیت، خودکفایی و بازاری بود (پولانی، ۱۳۹۱: ۱۳۶). اما گوارتر برخلاف نظر پولانی که صرفاً حک‌شدگی بازار را در نظر داشت، حک‌شدگی را در اقتصادهای ماقبل صنعتی نیز جستجو می‌کند. به نظر او، اقتصادهای نابازار، عقلانیت صوری بیشتری از آنچه تفکیک قاطع پولانی روا می‌دارد، وجود دارد و اقتصادهای بازار هم بیش از آنچه این تفکیک مجاز را می‌داند، در شبکه‌های اجتماعی ریشه دارند. به این ترتیب به‌راحتی نمی‌توان از ریشه‌داری اقتصادی برای تفکیک جامعه‌های بازار یا مدرن از جامعه‌های نابازار یا پیشامدرن استفاده کرد. برخلاف نظر پولانی، مدرن‌سازی اقتصاد از ریشه نشان‌دهنده تغییراتی در شکل و اندازه ریشه‌داری اجتماعی بازار است، نه بیانگر از ریشه درآمدن «همه‌جانبه بازار از مناسبات مربوط به یک بافت اجتماعی گسترده‌تر (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۱۶۹). برای تشریح بهتر این وضعیت لازم است بازار جغرافیایی و جامعه بازار بیشتر تشریح شوند.

۲-۲. بازار جغرافیایی

بازار جغرافیایی رویدادی است در ملاءم که در زمان و مکان خاصی برپا می‌شود و بناها، قواعد مؤسسات اداره‌کننده و ساخت‌های اجتماعی دیگری را هم دربردارد. بازارهای جغرافیایی در طیف بسیار وسیعی از جوامع چه از لحاظ تاریخی چه از لحاظ جغرافیایی یافت می‌شوند و به نظر می‌رسد هم در فرهنگ‌های مربوط به خود جا افتاده‌اند، هم شامل شکل‌های بسیار متنوعی از مبادلات و تعاملات‌اند که معاملات کالایی صرفاً یک نوع ساده آن است. بازار جغرافیایی صرفاً محل تلاقی خریداران و فروشندگان نیست. بازار جغرافیایی به‌مثابه یک رویداد مجسم، همیشه دارای یک ویژگی فرهنگی اختصاصی و نیز دربردارنده کنش‌ها و مناسبات اجتماعی عدیده است. چگالی و غنای اجتماعی بازار جغرافیایی در سطوح متعددی پدیدار می‌شود. نخست اینکه بازار به‌عنوان تجمعی از توده مردم می‌تواند غیر از مبادله کالاها، دربرگیرنده رشته وسیعی از کارهای دیگر باشد. دوم آنکه این رشته از فعالیت‌ها از چیزی حکایت می‌کند که *سلیندر* (۱۹۹۲) آن را مرکزیت اجتماعی بازار نامیده است. بازار در این معنی، توجه طیفی وسیع از افراد را که هریک به‌دنبال منافع و خواسته‌های متفاوتی هستند به یک مکان خاص معطوف می‌کند؛ مکانی که افراد در آن با زندگی عموم احساس نزدیکی می‌کنند. سوم اینکه بازارهای جغرافیایی اغلب طی مناسبات پیچیده‌ای با حکومت‌های محلی شهری پدیدار می‌شوند. همچنان که *برودل* (۱۹۸۱: ۴۷۹) می‌گوید، هیچ شهری بدون بازار نیست و بازار منطقه‌ای یا ملی نمی‌تواند بدون شهر وجود داشته باشد. به بیان دیگر، شهر بازار را به شکل پدیده‌ای متداول عمومیت می‌بخشد. چهارم اینکه هرچند بازارهای جغرافیایی با فرهنگ هویت و قدرت محلی پیوند داشتند، فضاهایی آستانه‌ای هم بودند. چنان‌که *گنیو* (۱۹۸۶) اشاره می‌کند، این بازارها نقطه‌ای هستند که اجتماعات از آن نقاط نفوذپذیر می‌شوند. تجار بیگانه به‌ویژه اعضای شبکه‌های تجاری قومی و خانوادگی مانند یهودیان و آرامنه می‌آمدند و می‌رفتند و قادر بودند از پاسخگویی و نظارت دقیق محلی بگریزند. آن‌ها همیشه می‌توانستند از جایی که سرورکله خود و کالاهایشان پیدا شده بود، به سرزمین‌های ناآشنا بروند و ناپدید شوند. پنجم آنکه «بازارهای محلی همیشه هم پرمخاطره‌اند و هم بسیار

۱. شاپان ذکر است در این پژوهش مفهوم بازار به‌صورت کلی به‌کار رفته و بازار به معنای مکانی آن مدنظر نیست؛ گرچه آن را نیز در برمی‌گیرد.

تحت کنترل و متضمن نظارت، مراقبت و قانون و مقررات یا آداب و سنن اجباری نوع ممنوعیت‌ها و اقدامات حمایتی که بازارهای جغرافیایی و دادگاه‌های مرتبط با آن‌ها برقرار می‌کردند» (برودل، ۱۹۸۱: ۳۰). آخرین جنبه بازار جغرافیایی همان عمومی بودن آن است. به‌طور کلی تصورات برابری طلبانه با بازار جغرافیایی پیوند خورده است. همه طبقات مردم به بازار جغرافیایی دسترسی دارند و می‌توانند در آن حضور داشته باشند.

۲-۳. جامعه بازار

«یکی از راه‌های رهگیری گذر به جامعه بازار، تمایز قائل شدن میان بازارهای جغرافیایی و بازارهای انتزاعی‌تر مدرن است. با ظهور بازارهای مدرن، ایده بازار از مکان و آدم‌های مشخص منفک می‌شود و مفهومی انتزاعی‌تر در ردیف «تقاضا»، فرصت‌های خرید و فروش و دادوستد یک کالای مشخص پیدا می‌کند. این صورت‌بندی بر این دلالت دارد که بازار، فضایی مفهومی است و حاکی از آن است که مصرف‌کنندگان، اقتصاددانان یا شرکت‌ها می‌توانند بر مبنای هدف‌های تجاری خود برای جهان مبادلات برنامه‌ریزی کنند. به بیان دیگر بازار مدرن گونه‌ای واحد از مبادلات اقتصادی جلوه داده می‌شود که از هر نوع ترتیبات فرهنگی خاص فراتر می‌رود» (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۱۶۸). «از بسیاری جهات، انتقال مرکز ثقل اقتصادی از بازارهای عمومی به بازارهای خصوصی، انتقال به نوعی امر بیش از پیش انتزاعی است؛ یعنی انتقالی است از بازار جغرافیایی به مثابه امری ملموس و مجسم به بازار به مثابه فضای محاسبات و فرصت‌های اقتصادی. به لحاظ نظری و استراتژیک اکنون می‌شد بازار را به شکل انتزاعی و تجریدی و به‌عنوان فرصت خرید و فروش تعریف کرد. این امر ویژگی و مشخصه بازار در دوره مدرنیسم است» (هان و هارت، ۲۰۰۹). این امر با «پیش‌انداختن مناسبات بازار و تغییر در فرهنگ و اجتماع حاصل می‌شود» (کوپر، ۲۰۰۴؛ سوئدبرگ، ۲۰۱۰). فضایی از مناسبات و روابط که در آن، سود و معامله تعیین‌کننده سایر روابط می‌شود و مبادله را به میانجی پول به پیش می‌برد؛ بنابراین بازار به مثابه فضایی نگریسته می‌شود که می‌تواند فراتر از جغرافیا و مناسبات اجتماعی گسترش یابد. «در این صورت خواسته‌های انسان در تعامل با بازار دستخوش تغییر می‌شود که نه براساس برطرف کردن صرف نیاز، بلکه در جهت تأمین خواسته‌های سیری‌ناپذیر است» (گاگنیر، ۲۰۰۰). سیر تحولات بازار حاکی از آن است که هرچه به دنیای کنونی نزدیک می‌شویم، از اهمیت بازار جغرافیایی کاسته می‌شود و با مسئله تسلط بازار به‌عنوان فضایی نامرئی، انتزاعی و همه‌گستر مواجه می‌شویم. این امر سبب شده است که بازار، روابط و مناسبات خود را بر جامعه مسلط کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، مبتنی بر مطالعات روایت‌پژوهی^۴ است. این روش برای به‌تصویر کشیدن داستان‌ها و تجارب زندگی یک یا چند نفر یا به تعبیری «داستان‌های زیسته و نقل‌شده» مناسب است (کراسول، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، داده‌ها از گفتگو و مصاحبه، داستان‌ها و شرح‌حال‌ها، نامه‌ها و یادداشت‌ها، عکس‌ها و اسناد و تجارب زیسته به‌دست می‌آید (وبستر و مرتوا، ۲۰۰۷). در

1. Hann & Hart
2. Cooper
3. Gagnier
4. Narrative inquiry
5. Webster & Mertova

این پژوهش براساس اصول روایت‌پژوهی کلاندینین و کانلی (۱۹۸۹؛ ۲۰۱۲) که بر روایت مبتنی بر سه عنصر زمان، مکان و تعامل اجتماعی و بازگرددن تجارب و روایت‌کردن متمرکز هستند، تأکید می‌شود.

براین اساس، زمان قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷، برای چگونگی روایت نقش و جایگاه دوره‌گردهای روستایی در ادغام روستایی در نظر گرفته شده است. همچنین منطقه هورامان ایران که شامل استان کردستان به‌ویژه شهرستان سروآباد و بخش شمال غربی استان کرمانشاه (روستاهای نودشه، نوسود و پاوه) که هورامی‌زبان هستند، در نظر گرفته شده است. مصاحبه‌ها با دوره‌گردهای قدیمی ساکن در روستاها و شهرهای منطقه به صورت فردی و گاهی گروهی انجام شده است. در این پژوهش از تجارب زیسته دوره‌گردهای روستایی که در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۰ فعالیت داشته‌اند، برای گردآوری داده‌ها استفاده شد.^۲

ابزار پژوهش، مصاحبه و راهبرد آن مصاحبه روایی و نیمه‌ساخت‌یافته بود. همچنین تجارب زیسته و مواجهه پژوهشگران با پدیده دوره‌گردی روستایی در این دوران، به‌عنوان داده‌های مونولوگ‌محور موضوع سؤالات مطرح‌شده و گردآوری داده‌ها بوده است. مشارکت‌کنندگان دوره‌گردها و مطلعان محلی بودند که در روستاها و شهرهای استان کردستان و بخشی از استان کرمانشاه به‌ویژه منطقه هورامان (بیست روستا) اقامت داشتند که به صورت گلوله‌برفی با آن‌ها مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه‌ها در بهار و تابستان سال ۱۴۰۳ انجام گرفت و میانگین هر مصاحبه ۳۰ تا ۶۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها به زبان کردی-هورامی، با ۱۵ نفر غالباً بالای ۵۰ سال انجام گرفت و پس از ضبط مکتوب شد. همچنین از نقشه برای بررسی مسیر دوره‌گردی روستایی و دسترسی به روستاها و شهرهای منطقه (ورود و خروج کالاها و مسیرها) و تفهیم و بازسازی مسیرها استفاده شد.

«کار گردآوری، برحسب تحلیل‌ها هدایت می‌شود و بسط پیدا می‌کند و کار تحلیل نیز طی روند تکوین و تکمیل و اشباع داده‌ها پیش می‌رود» (گلاسر، ۲۰۰۲). از تحلیل تماتیک یا مضمونی^۴ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری آن‌ها استفاده شد. کدگذاری براساس مفاهیم، مقوله‌های اولیه و ثانویه و براساس موضوعات مورد بحث انجام گرفت و دانش نظری پژوهشگران جهت استخراج و اتخاذ مقوله‌ها به کار رفت.

برای اتخاذ اعتبار یافته‌ها از اعتبار تفسیری استفاده شد. اعتبار تفسیری اشاره به تصویرکردن و بیان صحیح معانی دارد که توسط مشارکت‌کنندگان به آنچه پژوهشگر مطالعه کرده، نسبت داده شده است. همچنین از چند نفر از همکاران جهت بازبینی و سنجش اعتبار داده‌ها کمک گرفته شده است. شایان ذکر است مصاحبه‌ها بعد از مکتوب‌شدن و تحلیل به مشارکت‌کنندگان بازگردانده و برای آن‌ها مرور شد تا صحت آن‌ها تأیید شود.

1. Clandinin & Connelly

۲. انتخاب استان کردستان و به‌ویژه منطقه هورامان که در مرز کردستان عراق، استان کردستان و کرمانشاه قرار دارد و خود به چهار منطقه جغرافیایی براساس سه گویش هورامی (ژاورود، هورامان‌تخت، لهون، شامیان) تقسیم می‌شود، از چند جهت بوده است؛ ۱. به دلیل دسترسی آسان به مصاحبه‌شوندگان؛ ۲. تجربه زیسته پژوهشگران از پدیده دوره‌گردی روستایی؛ ۳. درک تحولات روستایی در منطقه؛ ۴. اهمیت دوره‌گردی در اقتصاد و مناسبات این منطقه؛ ۵. درک تحولات بازار به سبب نزدیکی به مرز، رابطه با شهرهای اطراف و درنهایت درک و تحلیل تسلط جامعه بازار در منطقه.

3. Glaser

4. Thematic analysis

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه	نام / نام مستعار	سن / سابقه دوره‌گردی	محل اقامت و محدوده دوره‌گردی
۱	عباس / م	۲۰ / ۶۸ سال	نودشه (محدوده روستاهای هورامان ایران و عراق، مریوان، پاره، کرمانشاه)
۲	کریم / و	۲۵ / ۷۰ سال	نوسود (محدوده روستاهای هورامان و کردستان عراق)
۳	توفیق / م	۳۰ / ۷۰ سال	روستای سلین (محدوده روستاهای هورامان و کردستان عراق)
۴	مارف / ک	۱۵ / ۵۹ سال	هورامان تخت (محدوده روستاهای هورامان و کردستان عراق)
۵	عبدالله / ر	۲۵ / ۶۹ سال	هورامان تخت (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق)
۶	کریم / م	۱۷ / ۷۷ سال	هورامان تخت (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق)
۷	کیکوس / خ	۴۰ / ۶۸ سال	روستای هجیج (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق و شهرهای عراق)
۸	اشرف / ه	۵ / ۶۵ سال	روستای دگاگا (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق)
۹	عبدالرحمان،	۱۵ / ۷۸ سال	روستای دگاگا (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و بانه، بوکان و مهاباد و...)
۱۰	محمد	۲۶ / ۷۰ سال	روستای دزلی (محدوده مریوان و کردستان عراق)
۱۱	وسیم	۷ / ۶۷ سال	هورامان (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق)
۱۲	اوساکریم	۲۵ / ۶۰ سال	روستای دل (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و بانه، بوکان و مهاباد و...)
۱۳	غفار	۱۷ / ۶۵ سال	روستای دل (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و بانه، بوکان و مهاباد و...)
۱۴	جبار	۴۰ / ۸۰ سال	روستای هجیج (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق)
۱۵	ستار	۲۵ / ۷۰ سال	نودشه (محدوده روستاهای هورامان، مریوان و کردستان عراق و شهرهای عراق)

۴. یافته‌های تحقیق

جدول ۲. مضامین مستخرج از یافته‌ها

مضمون اصلی	مضامین ثانویه	مضامین اولیه	مفاهیم
ادغام به‌مشابه حذف دوره‌گردهای روستایی در اقتصاد بازار	دوره‌گردی به‌مشابه شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی	عجین شدن با مردم روستاها	قشرهای روستایی، تعامل با روستاییان، آگاهی از وضعیت روستاییان، مراوده کالا به کالا، عجین شدن با مردم روستاها، بازکردن باب آشنایی، ماندن در خانه آشناها در روستاها برای چند روز، پیوند دوره‌گردها با سوداگران روستایی و کاسب‌کاران روستایی و شهری، پیوند چندساله مردم روستاها با دوره‌گردها، ارتباط با مالکان روستاها، پیوند بین روستاها، روابط چندساله و پایدار، قرض‌دادن به روستاییان، مشارکت‌دادن دوره‌گردها در امور روستاها، شرکت در جشن‌ها و مراسم‌های ازدواج
		تعامل با اقشار مختلف روستا مشارکت در مبادلات و مناسبات اقتصادی-اجتماعی روستاها	خرید و فروش کالا و محصولات، فروش کالاهای مورد نیاز روستاییان، گسترش روستاها و افزایش جمعیت آن‌ها، بالارفتن سطح زندگی و بهداشت روستاییان، تأمین کالاهای جدید روستاییان توسط دوره‌گردها، افزایش نیازهای روستاییان و وابستگی به دوره‌گردها، افزایش رفاه عمومی، تأمین ابزارآلات خرد کشاورزی و دامی، تغییر چهره روستاها، انتقال اخبار، صرف هزینه در خانه‌سازی و منزل به‌واسطه فروش مازاد محصولات، رواج دلالی و واسطه‌گری، افزایش خدمات روستایی، تأمین وسایل جدید کشاورزی و باغی، بهبود تولیدات کشاورزی و دامی، افزایش مشارکت روستاییان در عمران روستایی
دوره‌گردی روستایی و توسعه محلی		مراوده کالاها و انباشت سرمایه	
		ایجاد شبکه تجاری در روستاها	
		بهبود تولیدات کشاورزی و دامی	
		انتقال فرهنگ و آگاهی	

مضمون اصلی	مضامین ثانویه	مضامین اولیه	مفاهیم
پیوندهای شهری روستایی و نقش دوره‌گردهای روستایی	ارتباطات و نقش حمل‌ونقل و کاهش حضور دوره‌گردها	افزایش تعاملات تجاری با شهرها	فروش مواد لبنی مانند کره، پنیر، روغن حیوانی، فروش صنایع‌دستی مانند حاجیم، گیوه، شانه چوبی، دستمال و...، ایجاد فضای مبادله در شهرها و روستا، واسطه‌گری بین شهر و روستا، وسایل و مبلمان جدید منزل، ایجاد نقاط و اماکن بین‌راهی به‌واسطه حضور دوره‌گردها، رفت‌وآمد مکرر به شهرهای اطراف، تأمین مواد مصرفی روستاها، افزایش خرید و فروش، شکل‌گیری و گسترش روستاهای بین‌راهی شهرها و روستاهای منطقه، جریان پرسرعت مبادلات تجاری، رابطه با شهرهای اطراف، افزایش ارتباطات روستایی، رفت‌وآمد بیشتر مردم به روستاها و شهرهای اطراف، احداث قهوه‌خانه و کبابی، پیداشدن نیازهای جدید
		اتصال غیرخطی و متنوع به‌واسطه دوره‌گردها	
		ایجاد مراکز بین‌راهی به‌خاطر حضور دوره‌گردها	
گسترش ارتباطات و کاهش حضور دوره‌گردها	گسترش ارتباطات رادیویی و تلویزیونی	یک‌طرفه‌شدن روابط شهر و روستا (بعد از انقلاب)	جاده‌سازی در هورامان، ارتباط جاده‌ای روستاها، تسریع در ارتباط با روستاهای اطراف و شهرها، گسترش خرید خودرو و مینی‌بوس، تسریع در جابه‌جایی کالاها و خدمات، ورود رادیو و تلویزیون به روستاها، افزایش ارتباط با شهرها و متأثرشدن از تحولات شهری، ارتباط رادیویی، ورود تلویزیون در دهه ۱۳۵۰، راه‌اندازی مخابرات و بعدتر تلفن منزل در روستاها، افزایش اطلاعات و آگاهی مردم از وضع کشور و جهان، ورود مینی‌بوس، ورود تویوتا به روستاها، کاهش احشام و استفاده از آن‌ها در حمل کالاها و وسایل، افزایش سواد، احداث مدارس، ایجاد مراکز خانه بهداشت، ورود وسایل جدید آهنگری، تعمیرات قطعات، ایجاد شغل‌های جدید در روستاها
		ایجاد راه‌ها و حمل‌ونقل	
		گسترش ارتباطات رادیویی و تلویزیونی	
گسترش نقش سرمایه و پول در روستاها و نقش دوره‌گردها	مقبولیت و مشروعیت یافتن عام پول	ایجاد مراکز بین‌راهی به‌خاطر حضور دوره‌گردها	افزایش ارزش پول، معامله‌نکردن با کالا، مشروعیت پول، پذیرفته‌بودن پول برای همه، خرید و فروش در شهرها با پول، خرید وسایل و محصولات روستاییان با پول، کم‌رنگ‌شدن روابط کالا به کالا، مهاجرت به‌واسطه انباشت سرمایه، افزایش مصرف در روستاها، نیاز زیاد روستاییان به کالاهای لوکس و مصرفی، افزایش سرمایه و نقدینگی در روستاها، جانشینی پول به‌جای زمین و احشام در دارایی، ثروت‌اندوزی برخی روستاییان با مبادله کالا و فروش محصولات
		ورود خودروها و فناوری‌های جدید	
		جایگزین‌شدن پول در معاملات	
		افزایش سرمایه در روستا و انتقال آن شهرها	
افزایش مصرف در روستاها			

منبع: یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها (بهار و تابستان ۱۴۰۳)

۱-۴. پیوندهای شهری روستایی و نقش دوره‌گردهای روستایی

شواهد تاریخی و یافته‌های میدانی نشان می‌دهد پیوندهای شهری-روستایی در منطقه مورد بحث، بسیار عمیق و متنوع بوده است. اتصالی غیرخطی و متنوع در سراسر منطقه حاکم بوده که شامل جریان‌های مبادله، گروه‌ها و افراد مختلف بازرگان، خرده‌فروش و مصرف‌کنندگان، کالاها، سرمایه و اطلاعات از یک سو و پیوند میان بخش‌ها و فعالیت‌هایی مانند کشاورزی، خدمات و صنعت از سوی دیگر بوده است. با توجه به وجود روستاهای متراکم و قرارگیری آن‌ها میان چند شهر در دو کشور ایران و عراق، پیوندها چندلایه و چندجانبه بوده است. نقش بی‌بدیل منطقه هورامان، به‌ویژه در ساخت وسایل و ابزار کشاورزی، صنایع‌دستی، محصولات کشاورزی و دامی و باغداری (شمس، ۱۴۰۲)، بر پویایی این پیوندها تأثیر زیادی گذاشته بود.^۱

۱. از جمله می‌توان به وسایل و ابزارآلات آهنگری مانند چاقو، داس و... صنایع‌دستی مانند گیوه، حاجیم، سجاده، گلیم، شانه، سبد، پارچه و... مواد لبنی مانند روغن حیوانی، کره و کشک و... اشاره کرد.

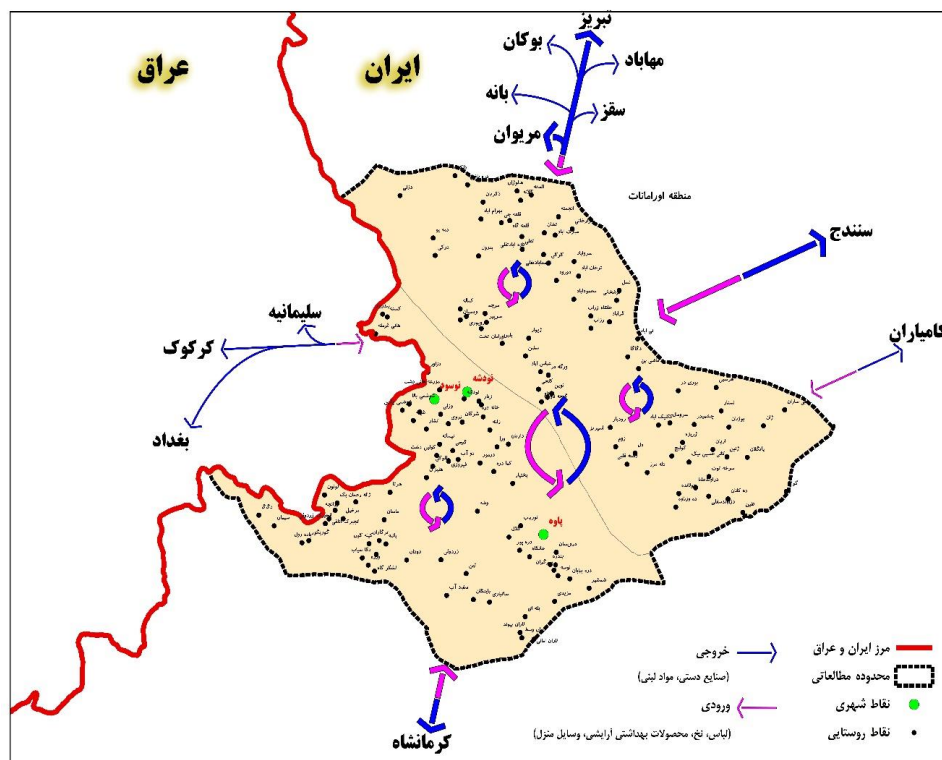
براساس شواهد تاریخی، تغییرات و تحولات ساختاری از زمان اصلاحات ارضی در منطقه مورد بحث، دچار پویایی و رونق زیادی شده است که روستاها تعامل خود را با شهرهای اطراف بیشتر کرده‌اند و میزان ارتباطات و پیوندهای اقتصادی آنها بیشتر شده است. در کردستان و به‌ویژه در منطقه هورامان، اصلاحات ارضی ناشی از مرحله اول و دوم، تأثیر شگرفی بر روستاها گذاشت. «تضعیف مالکان»، «تمرکز قدرت دولت در نواحی روستایی» و «افزایش انسجام ملی در روستاها» از مهم‌ترین آنها بود (رعنائی، ۱۳۹۶). اقدامات ناشی از انقلاب سفید، آنها را از درون‌گرایی و خودحمایتی بیرون آورد و روابط با شهرها به‌ویژه برای تأمین وسایل جدید کشاورزی، دامی و حتی وسایل و مبلمان جدید منزل و خدمات را بیشتر کرد. روستاییان که دارای حق زمین شده بودند و همچنین از فروش محصولات اضافی خود در شهرهای اطراف اکنون دارای سرمایه‌ای شده بودند، به خرید و مصرف بیشتر روی آوردند. در این میان نقش و کارکرد دوره‌گردهای روستایی به‌عنوان تأمین‌کننده کالا برای روستاییان به‌واسطه خرید کالا و محصولات کشاورزی و دامی و از سوی دیگر تأمین‌کننده ابزارها و وسایل مورد نظر برای زندگی مردم روستا، پررنگ و مهم شده بود. مصاحبه‌شوندگان بر رونق بازار دوره‌گردی در این زمان تأکید داشتند.

قبل از این زمان، وسایلی که ما برای شهرهایی مثل سنندج و کرمانشاه می‌بردیم بیشتر صنایع‌دستی تولیدشده در روستاها، مواد کشاورزی و دامی مثل میوه، میوه‌جات خشک، کره، دوغ و سیراج و... بود. بعد از اصلاحات ارضی روستاها رونق گرفتند و تولیدات روستایی هم زیاد شد. ما آنها را به شهر می‌بردیم و از آن طرف وسایلی را می‌آوردیم به روستاها... در این زمان کاروکاسبی ما هم رونق دوچندان گرفت... (کد مصاحبه: ۵).

نقش و کارکرد دوره‌گردها در این پیوند به حدی بود که به اذعان برخی از مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین و شاید تنها قشری که به‌طور مداوم به شهرها و روستاها رفت‌وآمد داشتند، دوره‌گردها بودند که رابطه و تعامل دوسویه‌ای را بین شهر و روستاها ایجاد می‌کردند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

از میان ساکنان روستا، تنها ما بودیم که به شهرها می‌رفتیم. ما به شهرهایی مثل سنندج، کرمانشاه و تبریز و این‌ها و این اواخر هم بیشتر به تهران می‌رفتیم و وسایل می‌آوردیم (کد مصاحبه: ۴).

این امر مهم، برای منطقه مورد نظر نه تنها شهرهای ایران مانند سنندج، کرمانشاه، مریوان، سقز، مهاباد، بانه و تبریز را دربرمی‌گرفت، بلکه شهرهای کردستان عراق و بغداد را نیز شامل می‌شد. عمده کالاها و وسایلی که دوره‌گردها از شهرهای ایران به منطقه مورد نظر می‌آوردند، شامل محصولات آرایشی و بهداشتی، وسایل جدید منزل، لباس و خوراکی بود. با استناد به مصاحبه، عمده مایحتاج روستاها در قبل از انقلاب از شهرهای کردستان عراق مانند سلیمانیه و کرکوک، منطقه خرمال و بیاره و حلبچه تأمین می‌شد (شکل ۱). مصاحبه‌شوندگان تشدید مرزها را عامل اصلی انقطاع کار آنها از این شهرها می‌دانستند.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (ورودی و خروجی کالا توسط دوره‌گردها)

تشدید مرزها نیز عامل اصلی انقطاع روستاها از شهرهای کردستان عراق بود. با وجود این، در شرایط پیش‌آمده، روستاها که تأمین‌کننده مواد غذایی از جمله مواد لبنی و کشاورزی و باغداری بودند، نقش و کارکرد اقتصادی خود را از دست دادند و از این به بعد به تولیدات و خدمات شهری وابسته شدند. در این میان دوره‌گردهای روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین میانجی‌های این پیوند، کارکرد و نقش خود را یک طرف یافتند. شکل ۲ گویای این وضعیت به‌ویژه بعد از انقلاب است.

۲-۴. نقش و جایگاه دوره‌گردی روستایی در توسعه محلی

دوره‌گردی نه تنها به خودی خود تجارتی ارزشمند بود، بلکه نقش مهمی در گسترش مد و تشویق سواد در میان فقرای روستایی داشت. «بسیاری از مطالعات موجود از جمله کارهای مارگارت اسپافورد به‌طور خاص در مورد دست‌فروشی قرن هفدهم، بررسی جان چارلز از دست‌فروشی روستایی در تاریخ کشاورزی انگلستان و ولز و مطالعاتی که در آن‌ها دست‌فروشی به‌عنوان بخشی از فعالیت اقتصادی قلمداد می‌شده، آن را کاری واسطه‌ای و برای سود در نظر گرفته‌اند که موجب توسعه محلی شده است» (براون، ۲۰۰۰). در روستای ایران و به‌ویژه منطقه مورد بحث، دوره‌گردها نیروی مهم توسعه به‌ویژه در زمینه گسترش سرمایه، خرید و فروش کالا و محصولات قلمداد می‌شوند. آن‌ها روند توسعه را در سطح محلی تسریع می‌کردند و به دلیل نقش و کارکردی که در روستاها داشتند، آزادانه می‌توانستند بدون قیدوبند اقتصادی و اجتماعی بدل به میانجی توسعه محلی روستاها شوند. خرید و فروش محصولات کشاورزی و دامی و صنایع دستی روستاییان و همچنین فروش کالاهای مورد نیاز روستاییان از مهم‌ترین نقش‌هایی است که آن‌ها در توسعه محلی ایفا کرده‌اند.

ما اغلب به روستاهای دورافتاده می‌رفتیم. آن‌ها برق و گاز و جاده نداشتند و با پای پیاده به آنجا می‌رفتیم... اغلب کالاهای سبک اما مهم برای روستاییان را با خود حمل می‌کردیم. خیلی از روستاها بدون امکانات بودند و مثل الان وضعیت خوبی نداشتند. ما محصولاتشان را می‌خریدیم و به‌جای آن چیزهایی از جمله لباس، وسایل خرد مانند سوزن، عطر، جوراب، شانه، حوله، صابون، شامپو و... به آن‌ها می‌دادیم (کد مصاحبه: ۷).

مطالعات و شواهد تاریخی نشان می‌دهد سیر نوسازی و ایجاد تحولات به‌ویژه ایجاد راه‌های دسترسی به روستاها، افزایش اقدامات توسعه امکانات رفاهی و بهداشتی و آموزشی از زمان انقلاب سفید، زمینه‌های توسعه را در منطقه فراهم آورده بود. توسعه محلی زمینه‌ساز ایفای نقش مهم‌تر دوره‌گردها شد. با وجود تحول در بافت اقتصادی روستاها، دوره‌گردها فراهم‌کننده بسیاری از نیازهای روستاییان شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره سیر تحول سریع روستاها، افزایش امکانات و ایجاد نیازهای جدید در روستاها می‌گوید:

با ورود جاده‌های دسترسی به روستاها، امکانات و وسایل نیز وارد روستاها شد. این امر باعث شد نیازهای جدیدی در روستاها ایجاد شود و ما سعی می‌کردیم بعضی از آن‌ها را برایشان فراهم کنیم. وسایل منزل، محصولات آرایشی و بهداشتی، انواع پارچه و لباس جدید، وسایل مدرسه بچه‌ها و... از آن جمله بودند (کد مصاحبه: ۹).

با روند روبه‌رشد حمل‌ونقل، ارتباط روستاییان با شهر و دایرشدن مغازه‌های ثابت و دائمی در اغلب روستاهای هورامان، دوره‌گردی نیز دچار افول شد. این روند با روند روبه‌رشد و حاکمیت بازار و اقتصاد غیررسمی در قالب اقتصاد مرزی در اقتصاد روستایی هم‌زمان شد (دانش‌مهر و همکاران، ۴۰۱). هرچه از سیطره بازار به‌عنوان امر ضروری در روستاها پیش می‌رویم، نقش دوره‌گردها نیز در روند توسعه محلی و اقتصاد آن کم‌رنگ‌تر می‌شود. قشری که خود میانجی توسعه بازار در روستاها بود، اکنون توسط بازار از میان می‌رود.

۳-۴. گسترش نقش سرمایه و پول در روستاها به‌واسطه دوره‌گردها

شواهد تاریخی نشان می‌دهد روستاها در ایران، قبل از مواجهه با سرمایه‌داری، جوامعی با اقتصاد معیشتی، متکی به محصولات خود (کشاورزی و دامی) و منزوی و با تحرک اندک بوده‌اند (ولی، ۱۳۸۰). بیشتر معامله‌ها پایاپای، کالا به کالا،

محدود و پرریسک در جابه‌جایی انجام می‌شد و تجارت و خرید و فروش محدود به قشرهای بالا‌های جامعه، مالکان، تجار خرده‌پا و سوداگران بود که با افزایش روند گسترش و ادغام سرمایه در روستاها، این امر دچار تغییر شد (سوداگر، ۱۳۶۹). نقش و جایگاه دوره‌گردها در این وضعیت نیز مهم و جای تأمل دوچندان است. «برخی معتقدند دوره‌گردهای روستایی به‌واسطه پیوند با تولیدکنندگان خرده‌پای روستایی و تاجران شهری نقش اساسی در رواج سرمایه‌داری و گسترش بازار و روابط مبادله و انتقال ارزش داشته‌اند» (فوربس، ۱، ۱۹۸۱). آن‌ها با ارتباط با بازار شهری و حمل کالا به روستاها، روستاها را با کالاها و وسایل نوین آشنا کردند، فرهنگ مصرف را در آن‌ها ایجاد و روند رواج و گسترش اندیشه مالی و پولی را در روستاها تسریع کردند. نقش و جایگاه دوره‌گردها در این دگرگونی به دلیل ادغام‌کردن روستاها در این زمینه حائز اهمیت است. «گسترش نقش سرمایه در معاملات روستایی به وابستگی روستاییان به محصولات بیرونی یا خارجی منجر شده است و به تدریج که نقش سرمایه و پول در این معاملات نیز افزایش می‌یابد، روستاییان به کارهایی می‌پردازند که سود آبی و بدون ریسکی را داشته باشد» (گر، ۲، ۱۹۹۹).

در روستاهای ایران نیز از دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به این سو، نقش و جایگاه دولت در مبادلات تجاری و بازرگانی نیز بیشتر می‌شود. از این زمان نیز می‌توان نقش دوره‌گردان روستایی در اشاعه، گسترش و ایجاد ذهنیت مشروع‌سازی پول برای مبادله را بیشتر نشان داد. آنچه از مصاحبه‌ها استنباط شد، از این زمان به بعد، رواج پول ملی در روستاها بیشتر شد. به این ترتیب دینار عراق نیز کم‌کم از رونق افتاد و بیشتر معاملات با ریال انجام می‌شد. این امر بعد از انقلاب شدیدتر نیز شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد این رابطه و نقش دوره‌گردها چنین می‌گوید:

دوره‌گردها بعد از اینکه پول مانند چیز باارزشی که معامله‌ها با آن انجام می‌شود در روستاها مطرح شد، نقش این دوره‌گردها نیز پررنگ شد. آن‌ها معمولاً پول کافی برای خرید کالاها و محصولات را داشتند و هر وقت که می‌خواستند معامله‌ای انجام دهند از آن استفاده می‌کردند، اما بیشتر سعی می‌کردند کالا به کالا باشد. این اواخر که کالاها روستاییان زیاد ارزش مالی نداشت و نمی‌توانستند در شهر بفروشند، فقط پول می‌گرفتند (کد مصاحبه: ۱۵).

گرچه دوره‌گردها به عنوان بخشی از این شبکه ادغام جامعه روستایی در اقتصاد بازار نقش مهمی داشته‌اند، خود آن‌ها نیز قربانی همین وضعیت شدند. نقش بی‌بدیل آن‌ها در عرفی و عمومی کردن سرمایه و پول در روستاها انکارناپذیر است. هم‌زمانی این ادغام در جامعه روستایی ایران و به‌ویژه مناطق روستایی کردستان گرچه به دلیل کندی نوسازی و توسعه دیر انجام شد، خیلی زود تأثیرات خود را بر جا گذاشت. پول در مناسبات خرید و فروش سریعاً حک شد و به‌عنوان ابزار و وسیله مورد تأیید همه مقبولیت یافت. یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد ارزشمند شدن پول در دوره زمانی مورد بحث می‌گوید:

من هر ماه به کردستان عراق می‌رفتم. حلبچه، سلیمانی و کرکوک و این‌ها را می‌رفتم. از آنجا چای، قند، برنج، لباس و این‌ها را می‌آوردیم... با رونق گرفتن پول ملی در ایران، بسیاری از معامله‌هایمان را با پول انجام می‌دادیم؛ چون همه می‌خواستند کارهایشان را با پول جلو ببرند... پول کم بود و میزان پولی هم که بود دست سوداگران روستایی، خان‌ها و مالکان بود که بعداً در شهرها ساکن شدند و آنجا پول‌هایشان را خرج می‌کردند (کد مصاحبه: ۱۱).

۴-۴. دوره‌گردی به مثابه شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی

فونتن (۱۹۹۶) که کتاب‌های دوره‌گرد فرانسه را مطالعه کرده بود، به‌عنوان معیار، از روش تأمین مالی فعالیت‌های تجاری دوره‌گردها استفاده کرد. او سه گروه از آن‌ها را از نظر چیزهایی که در اختیار داشتند، شناسایی کرد. «اول، دوره‌گرد فقیر؛ تاجر بسیار فقیری که دارایی نداشت. دوم، دوره‌گرد معمولی که دارایی کافی برای تضمین وام خود و تأمین کالاهایی که خود می‌فروخت داشت. سوم، تاجر دوره‌گرد با پایه مالی محکم که با گاری سفر می‌کرد و مغازه‌ها را در جایی که اقامت داشت باز می‌کرد. فونتن بر انعطاف‌پذیری این نوع‌شناسی تأکید می‌کند (فونتن، ۱۹۹۳). اما در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، شیوه‌های معاملاتی و کالاهای فروشندگان می‌توانند معیار دسته‌بندی و انتخاب آن‌ها باشند» (سلمان، ۱، ۲۰۰۳). در ایران این قشر که در سلسله‌مراتب قشربندی روستایی ذیل خوش‌نشین روستایی جای می‌گیرند، به سوداگران روستایی یا کاسب‌کاران نیز معروفند (خسروی، ۱۳۷۲؛ از کیا، ۱۳۹۲). آن‌ها جزئی از شبکه مناسبات اجتماعی در روستاها بودند که به فراخور ارتباطات و کالاهایی که خرید و فروش می‌کردند، از بقیه مردم متمایز می‌شدند. بیشترین ارتباط آن‌ها با سلف‌خران، پله‌وران و دست‌فروش‌ها، دکان‌داران، نزول‌خوران و پول‌قرض‌ده‌هایی بود که با گسترش سرمایه و نقش آن در زندگی روستاییان، نقش آن‌ها نیز پررنگ شده بود.

روابط و تعاملات آن‌ها با روستاییان چنان عجیب شده بود که بخشی از مناسبات اجتماعی روستا را شکل می‌داد. آن‌ها معمولاً در روستاها برای چند روز می‌مانند، با مردم در تعامل بودند و از مسائل روستاها آگاهی داشتند. بیشترین ارتباط آن‌ها با زنان به‌عنوان خریدار واقعی اجناس خود بود. بسیاری از زنان روابط چندساله‌ای را با آن‌ها برقرار می‌کردند و به‌اصطلاح آشنای هم می‌شدند و اعتماد و اطمینانی بین آن‌ها برای قرض‌دادن و قرض‌گرفتن حاصل می‌شد:

زنان خریدار اصلی اجناس ما بودند. ما هرچه می‌خواستند اگر هم نداشتیم وقتی به شهر می‌رفتیم برایشان تهیه می‌کردیم. زنان مشتری همیشگی ما بودند که اغلب وسایل زنانه را از توی صندوقچه یا دستاری که با خود حمل می‌کردیم و بر دوش خود داشتیم، می‌خریدند (کد مصاحبه: ۹).

تعامل با اقشار مختلف روستا شبکه‌ای از روابط و مناسباتی را شکل داده بود که نقطه اتصال آن دوره‌گردها بودند. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد دوره‌گردها چندان با زندگی اجتماعی مردم روستاها عجیب شده بودند که از بسیاری رویدادها، تعاملات و روابط بین مردم آگاه بودند. یکی از مصاحبه‌شوندگان که خود سال‌ها در روستاهای بانه، سقز، بوکان، مهاباد و تکاب و سردشت بوده است، در این باره می‌گوید:

ما جزئی از خانواده آن‌ها شده بودیم. وسایلمان را به خانه آشنایمان می‌بردیم و شب را آنجا می‌گذرانیم در کنار زن و بچه‌هایشان. در کنار تنور خانه می‌خوابیدیم. آنجا زن‌ها نان محلی درست می‌کردند و صبحانه بهمان می‌دادند. اصلاً خودشان را از ما جدا نمی‌کردند (کد مصاحبه: ۱۳).

مصاحبه‌شونده بر خوش‌رفتاری و صمیمیت مردم روستاها با آن‌ها و برقرار کردن روابط پایدار اذعان می‌کند. برقراری ارتباط با مالک روستاها، معدود مغازه‌دارها و کشاورزان و دامداران روستاها را بخش مهم کار خود می‌دانست که سبب تعامل مثبت و برقراری ارتباط صمیمی می‌دانست. آنچه از مصاحبه‌ها استنباط شد، شکل‌گیری روابط و مناسبات هم‌زمان اقتصاد و اجتماع در منطقه بوده است که بستری برای پویایی نقش و جایگاه دوره‌گردها فراهم آورده بود. بستری که در آن، اقتصاد و مناسبات

اقتصادی از مناسبات اجتماعی منفک نشده بود و تعاملات نه صرفاً بر پایه سود، بلکه نوعی حکم‌شدگی کنش‌های اقتصادی در مناسبات اجتماعی ویژگی بارز آن بود. با توسعه محلی روستاها و حاکم‌شدن مناسبات بازار، این شبکه از بین رفت و جای آن را مغازه‌ها و دکان‌ها در روستاها پر کردند و در شهرها نیز این روند با پاساژسازی و مجتمع‌های خرید جایگزین شد (امیرپناهی و همکاران، ۱۳۹۴؛ باینگانی و جلائی‌پور، ۱۳۹۹).

۵-۴. گسترش ارتباطات و حمل‌ونقل و حذف دوره‌گردها

در اروپا اهمیت نقش و جایگاه دوره‌گردها در انتقال اخبار رویدادها و حوادث مهم، مورد توجه محققان قرار گرفته است. «روستاییان همچنان این ضرورت را احساس می‌کردند که اخبار محلی مبادله شود و از اوضاع منطقه و تحولات ملی باخبر شوند» (مای و بچهولت، ۱۹۸۷). در ایران نیز از زمان انقلاب مشروطه به بعد، با توجه به روند سریع تغییرات و تحولات در سطح ملی و منطقه‌ای، رواج اخبار بیش از هر زمان دیگری بود. این مهم با روند ادغام مسائل روستاها به مسائل شهری و ملی همراه شد؛ به طوری که تغییر در سیاست‌های حکومتی در روستاها بازتاب و تأثیر زیادی ایجاد می‌کرد. بعد از آن، انقلاب سفید و اصلاحات مهم‌ترین تأثیرات را بر روستاهای منطقه گذاشتند و رصدکردن اخبار این تغییرات و در جریان گذاشتن روستاییان از وضعیت پیش‌رو، از مهم‌ترین نقش‌های دوره‌گردها بود. برخی از دوره‌گردها از میزان نفرت و انزجار خان‌های منطقه از آن‌ها به واسطه آگاه‌کردن روستاییان از تحولات و اطلاع‌رسانی اخبار مربوط به اصلاحات ارضی می‌گفتند:

ما از یک روستا به روستای دیگر که می‌رفتیم، اخبار آن روستاها را هم می‌بردیم و مردم را در جریان امور روستاها قرار می‌دادیم. در آن زمانی که شما درباره‌اش صحبت می‌کنید، اتفاقاً بازار بحث‌ها و اخبار داغ بود و مردم هر روز نسبت به رویدادهایی چون تقسیم ارضی روستاها و پاپس کشیدن مالکان و خان‌ها از زمین‌ها کنجکاو بودند و از ما سؤال می‌کردند (کد مصاحبه: ۱).

اما هرچه به زمان انقلاب نزدیک‌تر می‌شویم و ارتباطات رادیویی و تلویزیونی نیز در روستاها برقرار می‌شود و حمل‌ونقل جاده‌ای رواج می‌یابد، نقش و کارکرد دوره‌گردهای روستایی نیز کاهش پیدا می‌کند و در بازه زمانی دهه ۱۳۶۰ روبه افول می‌رود (محمدپور، ۱۳۹۲). حمل‌ونقل از اساسی‌ترین دلایل افول دوره‌گردی روستایی و نبود آن، مهم‌ترین دلیل رونق دوره‌گردی در روستاها بود. گسترش ارتباطات روستایی که بیشتر به میانجی حمل‌ونقل صورت گرفت، از انقلاب سفید و اصلاحات ارضی به بعد، زیر لوای نوسازی سبب احداث جاده‌های منطقه شد (همان). احداث و گسترش جاده‌های بین شهر و روستا، و روستا به روستا از زمان پهلوی اول شروع شده بود و در دوره پهلوی دوم و با تخصیص اعتبارات روستایی شدت گرفت (لیلاز، ۱۳۹۸). این روند در منطقه مورد بحث، با توجه به شرایط امنیتی، جغرافیایی و دوری از مرکز دیرتر شروع شد. بسیاری از جاده‌های مهم منطقه قبل از انقلاب و با اهداف نظامی کشیده شده بودند، اما بعد از انقلاب، روند جاده‌سازی ذیل جهاد سازندگی شدت گرفت و تقریباً همه روستاهای منطقه از راه دسترسی غالباً خاکی بهره‌مند شدند. این جاده‌ها هرچند در ابتدا راه دوره‌گردها را کوتاه و روند خرید و فروش آن‌ها را تسریع کرد، به موازات گسترش بازار خودرو و ارتباط راحت‌تر و قابل‌دسترس‌تر روستاییان به شهر جهت تأمین مستقیم کالاها، سبب افول دوره‌گردی تسریع شد:

به نظر بنده، مهم‌ترین دلیلی که دیگر دوره‌گردی روستایی مثل سابق نبود، ورود ماشین به روستاها و جاده‌سازی بود. مردم خودشان به شهر می‌رفتند و با قیمت کمتری وسایل مورد نیازشان را تأمین می‌کردند و دیگر احتیاجی به دوره‌گردها نبود (کد مصاحبه: ۱۱).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پرسش از چگونگی ادغام جامعه روستایی در ایران و خاصه در روستاهای هورامان (استان کردستان و بخشی از استان کرمانشاه) با اقتصاد بازار هدف اساسی این پژوهش بود که از مجرای نقش و جایگاه دوره‌گردهای روستایی مورد بحث و تحلیل واقع شد. مطالعات درمورد تاریخ اقتصاد روستایی ایران، خاستگاه این پرسش را دوره پهلوی دوم و به‌ویژه از دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به بعد می‌دانند. این امر هم‌زمان با وقوع رویدادها، اقدامات و برنامه‌هایی مثل برنامه‌های عمرانی توسعه، انقلاب سفید و اصلاحات ارضی، فروش نفت و... بوده است که به‌مراتب جامعه روستایی را دچار تغییر و تحولات اساسی کرده‌اند. در این دوران، چگونگی ادغام جامعه روستایی در اقتصاد بازار و به‌تبع آن اقتصاد ملی، با میانجی‌هایی همراه بوده است. دوره‌گردهای روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این میانجی‌ها به‌واسطه خرید و فروش کالاها و محصولات از روستاییان و از سوی دیگر فروش کالاها و محصولات به روستاها عمل کرده‌اند که در مطالعات توسعه و اقتصاد روستایی مغفول مانده است.

پژوهش حاضر با دستاویز قراردادن این امر مهم، درصدد بازخوانی و تحلیل نقش و جایگاه آن‌ها در این ادغام بوده است؛ امری که با توجه به کمبود منابع و بازخوانی روایت‌ها از آن زمان، به‌دلیل افول دوره‌گردی روستایی در منطقه مورد مطالعه انجام شد. نتایج نشان داد دوره‌گردهای روستایی نقشی مهم و اساسی در پیوند شهری روستایی در منطقه مورد بحث ایفا کرده‌اند؛ نقشی که به سبب آن، فضای پیوند شهرهایی مثل سنندج، مریوان، سقز، بانه، مه‌آباد، بوکان و تبریز و همچنین پاره و کرمانشاه در ایران و شهرهای سلیمانیه، کرکوک، منطقه خرمال و بیاره در کردستان عراق را به هم پیوند داده بود. این رابطه تا زمان انقلاب، دوسویه و مبتنی بر تعامل نسبتاً پایدار و برابر بود. اما با سیطره اقتصاد بازار سرمایه‌داری و تشدید مرزهای ملی و سپس رواج و استفاده از پول ملی از سویی و سرمایه‌ای شدن شهر، روستاها به حاشیه کشیده شدند و متعاقب آن، نقش دوره‌گردها در این پیوند، یک‌سویه شد. به‌دلیل همین امر، میزان ورودی به روستاها بیشتر شد و مایحتاج روستاها از شهرها -با تأکید بر نقش مهم و بی‌بدیل تهران- تأمین شد. با این‌همه نمی‌توان از نقش و جایگاه دوره‌گردی روستایی در توسعه محلی چشم‌پوشی کرد. نقش بی‌بدیل آن‌ها در تأمین مایحتاج روستاییان و فراهم کردن امکانات و وسایل جدید، زمینه توسعه روستاها شد. این امر مهم، با گسترش نقش سرمایه و پول در روستاها به‌واسطه دوره‌گردها نیز قابل‌بحث است. از آنجا که دوره‌گردها پیونددهنده روستاها با شهرها بودند و به‌تدریج از مبادله پایاپای و کالا به کالا به‌سمت مبادله با پول روی آوردند، نقش مهمی در مشروعیت‌سازی و سیطره پول در مبادلات و اقتصاد در روستاها ایفا کردند. این امر به‌تدریج بعد از انقلاب، به‌صورت گسترده و با سیطره منطبق سود ناشی از فروش (نه خرید کالا و محصولات روستاییان) بیشتر شد. اما نقش و جایگاه دوره‌گردها صرفاً به نقش اقتصادی آن‌ها محدود نمی‌شد. در بافت اجتماعی روستاها نیز نقش دوره‌گردها حائز اهمیت است. آن‌ها به‌دلیل نقش و جایگاه خود در روستاها با اقشار مختلف و به فراخور ارتباطات و کالاهایی که خرید و فروش می‌کردند، روابطی با تجار محلی، مالکان، زنان، کشاورزان، دامداران و مغازه‌داران برقرار می‌کردند.

با گسترش ارتباطات و حمل و نقل در روستاها که کمبود آن مسبب اصلی توسعه کار دوره‌گردهای روستایی بود، می‌توان مهمترین عامل حذف آن‌ها از جامعه روستایی دانست. نقش آن‌ها در انتقال اخبار رویدادها، انتقال فرهنگ و برقراری ارتباط با شهرها را در دوره زمانی قبل از تحولات توسعه‌ای دهه‌های قبل از انقلاب نمی‌توان نادیده گرفت.

روند گذار از بازار جغرافیایی به اقتصاد بازار با تأکید بر نقش و جایگاه دوره‌گردها، نشان‌دهنده استحاله روابط و مناسبات شهر و روستا و به تبع آن انقطاع پیوند آن‌ها و یک‌سویه‌شدن روابط، منفک‌شدن مناسبات اقتصادی از مناسبات اجتماعی و ظهور شیوه‌های تجارت و بازار در منطقه است که تجارت مرزی نمود عینی آن است؛ روندی که می‌توان از دهه ۱۳۷۰ آن را پیگیری کرد. درنهایت می‌توان گفت نقش و جایگاه دوره‌گردها در ادغام و توسعه روستایی به‌مثابه مکانیسمی معکوس عمل کرد و هرچه از ادغام و توسعه روستاها در اقتصاد بازار می‌گذشت، به همان شیوه، نقش و جایگاه دوره‌گردهای روستایی نیز کاهش پیدا می‌کرد. به عبارت دیگر، آنچه خود بخشی از ادغام روستاها در اقتصاد بزرگ‌تر بود، سبب حذف آن‌ها نیز شد.

مأخذ مقاله: مستخرج از طرح رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «اصلاحات ارضی و پیامدهای آن در جامعه روستایی کردستان»، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان.

منابع

- آبراهامیان، پروانه (۱۳۹۶). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فاتحی. تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستاهای ایران*. تهران: اطلاعات.
- اسلیتر، دن و تونکس، فرن (۱۳۹۶). *جامعه بازار: بازار و نظریه اجتماعی مدرن*. ترجمه حسین قاضیان. چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.
- امیرپناهی، محمد، طالب، مهدی، و میرزایی، حسین (۱۳۹۴). بازار مرزی و مناطق روستایی: بررسی نقش و جایگاه روستاییان در بازار مرزی شهرستان بانه. *پژوهش‌های روستایی*، ۶(۳)، ۵۱۵-۵۴۴. <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.56059>
- باینگانی، بهمن، و جلالی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۹). *برساخت تاریخ اجتماعی و بسترهای تکوین و تداوم اقتصاد غیررسمی (بازار و تجارت مرزی در بانه)*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۱(۱)، ۳۲-۷۰. <https://doi.org/10.22034/jsi.2020.243999>
- پولانی، کارل (۱۳۹۱). *دگرگونی بزرگ: خاستگاه‌های سیاسی و اقتصادی روزگار ما*. ترجمه محمد مالجو. تهران: پردیس دانش.
- دانش‌مهر، حسین، کریمی، علیرضا، و هدایت، عثمان (۱۴۰۱). تحلیل زمینه‌های شکست کارکردهای تعاونی مرزنشینان استان کردستان در بستر اقتصاد غیررسمی مرزی. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۴(۱)، ۲۰۵-۲۳۲. <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.344882.668736>
- رعنایی، شهین (۱۳۹۷). *اصلاحات ارضی در استان کردستان*. تهران: شیرازه.
- سوداگر، محمدرضا (۱۳۶۹). *رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله گسترش ۱۳۴۲-۱۳۵۷*. تهران: شعله اندیشه.
- شمس، ابراهیم (۱۴۰۲). *تاریخ هورامان «تاریخچه هورامانی»*. سنندج: تافگه.
- عنبری، موسی (۱۳۹۴). مبانی «امر اجتماعی» روستایی: به سوی جامعه‌شناسی خودبسنده و بومی. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۷(۲)، ۱۷۳-۱۹۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2015.60559>
- کرسول، جان (۱۳۹۶). *پژوهش کیفی*. ترجمه حسن دانایی‌فرد. تهران: صفار.
- لیلاز، سعید (۱۳۹۸). *موج دوم، تجدید امرانه در ایران*. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *تجربه نوسازی (مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای)*. تهران: جامعه‌شناسان.

ولی، عباس (۱۳۸۰). *ایران پیش از سرمایه‌داری: تاریخ نظری*. ترجمه حسن شمس‌آوری. تهران: مرکز. همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۴۰۲). *اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. چاپ بیست و هفتم. تهران: مرکز.

- Abrahamian, Y. (2017). *Iran between two revolutions*. Translated by: A. Golmohammadi & M. E. Fatehi. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Amirpanahi, M., Taleb, M., & Mirzaee, H. (2015). Boundary market and rural areas: Investigating the role of villagers in the boundary market of BANE. *Journal of Rural Research*, 6(3), 515-544. <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.56059> (In Persian)
- Anbari, M. (2015). Foundations of Rural Social Fact: Towards a Self-Sufficient and Indigenous Sociology. *Community Development (Rural and Urban)*, 7(2), 173-198. <https://doi.org/10.22059/jrd.2015.60559> (In Persian)
- Ashraf, A. (1980). *Historical obstacles to the growth of capitalism in Iran: Qajar period*. Tehran: Zamineh. (In Persian)
- Azkiya, M. (2013). *Sociology of Development and Underdevelopment of Iranian Villages*. Tehran: Information Publications. (In Persian)
- Bayangani, B., & Jalaeipour, H. R. (2020). Construct of Social History and Contexts of the Formation and Continuation of the Informal Economy (Market and Cross-Border Trade in Baneh). *Iranian Journal of Sociology*, 21(1), 32-70. <https://doi.org/10.22034/jsi.2020.243999> (In Persian)
- Bayat, A. (2000). From Dangerous Classes' to Quiet Rebels' Politics of the Urban Subaltern in the Global South. *International Sociology*, 15(3), 533-557.
- Behrent, M. C. (2016). Karl Polanyi and the reality of society. *History and Theory*, 55(3), 433-451.
- Braudel, F. (1981). *I giochi dello scambio*. G. Einaudi.
- Braudel, F. (1982). *On history*. University of Chicago Press.
- Brown, D. (2000). 'Persons of infamous character' or 'an honest, industrious and useful description of people'? The textile pedlars of Alstonfield and the role of peddling in industrialization. *Textile history*, 31(1), 1-26.
- Cangiani, M. (2011). Karl polanyi's institutional theory: Market society and its "disembedded" economy. *Journal of Economic Issues*, 45(1), 177-198.
- Clandinin, D. J., & Connelly, F. M. (1989). *Narrative and story in practice and research*.
- Clawson, P. (1977). The internationalization of capital and capital accumulation in Iran and Iraq. *Insurgent Sociologist*, 7(2), 64-73.
- Connelly, F. M., & Clandinin, D. J. (2012). Narrative inquiry. In *Handbook of complementary methods in education research* (pp. 477-487). Routledge.
- Cooper, J. X. (2004). *Modernism and the Culture of Market Society*. Cambridge University Press.
- Creswell, J. (2017). *Qualitative research*. Translated by: H. Danaei Fard. Tehran: Safar Publications. (In Persian)
- Daneshmehr, H., Karimi, A., & Hedayat, O. (2022). Contextual Analysis of the Failure of Cooperative Functions of Border Dwellers in Kurdistan Province in the Context of Informal Border Economy. *Community Development (Rural and Urban)*, 14(1), 205-232. <https://doi.org/10.22059/jrd.2022.344882.668736> (In Persian)
- Fontaine, L. (1993). *Histoire du colportage en Europe: XVe-XIXe siècle*. (No Title).
- Forbes, D. (1981). *Petty commodity production and underdevelopment: the case of pedlars and trishaw riders in Ujung Pandang, Indonesia*. *Progress in Planning*, 16, pp.103-178.

- Gagnier, R. (2000). *The insatiability of human wants: Economics and aesthetics in market society*. University of Chicago Press.
- Ger, G. (1999). Localizing in the global village: Local firms competing in global markets. *California Management Review*, 41(4), 64-83.
- Glaser, B. G. (2002). Conceptualization: On theory and theorizing using grounded theory. *International Journal of Qualitative Methods*, 1(2), 23-38.
- Hann, C. M. & Hart, K. (2009). *Market and society: The great transformation today*. Cambridge University Press.
- Hodgson, G. M. (2015). Markets. In *The Elgar Companion to Social Economics, Second Edition* (pp. 277-292). Edward Elgar Publishing.
- Homayoun Katoozian, M. A. (2024). *Iran's political economy, from constitutionalism to the end of the Pahlavi dynasty* (27th Ed.). Translated by: M. R. Nafisi & K. Azizi. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Lilaz, S. (2019). *The second wave, authoritarian modernization in Iran* (2nd Ed.). Tehran: Nilufar Publications. (In Persian)
- Mai, U., & Buchholt, H. (1987). *Peasant peddlars and professional traders: substance trade in rural markets of Minahasa, Indonesia*. Institute of Southeast Asian Studies.
- Mohammadpour, A. (2013). *The experience of modernization (the study of change and development in Horaman with the contextual theory method)*. Tehran: Sociologists Publishing House. (In Persian)
- Polanyi, C. (2012). *The Great Transformation: The Political and Economic Origins of Our Times*. Translated by: M. Maljoo. Tehran: Pardis Danesh. (In Persian)
- Ranaei, Sh. (2018). *Land Reforms in Kurdistan Province*. Tehran: Shirazeh. (In Persian)
- Salman, J. (2003). Peddling in the past: Dutch itinerant bookselling in a European perspective. *Publishing History*, 53, 5-III.
- Shams, I. (2024). *History of Huraman "Tarikhov Ha-Waramani"*. Sanandaj: Tafeg Publications. (In Persian)
- Slater, D., & Tonkiss, F. (2017). *Bazaar Society: Market and Modern Social Theory* (4th Ed.). Translated by: H. Ghazian. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Smelser, N. J., & Swedberg, R. (2005). Introducing economic sociology. *The Handbook of Economic Sociology*, 2, 3-25.
- Sodagar, M. (1990). *The growth of capitalist relations in Iran: the expansion phase of 1342-1357*, Tehran: Shole Andisheh. (In Persian)
- Smelser, N. J., & Swedberg, R. (Eds.). (2010). *The handbook of economic sociology*. Princeton university press.
- Swedberg, R. (1991). Major traditions of economic sociology. *Annual Review of Sociology*, 17(1), 251-276.
- Vali, A. (2001). *Iran before capitalism: Theoretical history*. Translated by: H. Shamsavari. Tehran: Markaz. (In Persian)
- Webster, L., & Mertova, P. (2007). *Using narrative inquiry as a research method: An introduction to using critical event narrative analysis in research on learning and teaching*. Routledge.